

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال دوم شماره ۵ بهار ۱۳۸۶

بررسی یادآوری خاطرات در بیماران افسرده، مانیک و افراد بهنجار

عزت ا. احمدی - مربی گروه روانشناسی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

دکتر مجید محمودعلیلو - استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

سیاوش شیخ‌علیزاده - مربی گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی یادآوری خاطرات در بیماران افسرده، مانیک و افراد عادی براساس نظریه‌های یادآوری وابسته به خلق، یادآوری هماهنگ با خلق و نظریه شیکه تداعی می‌پردازد. مطابق یافته‌های قبلی پیش‌بینی می‌شد که بیماران افسرده خاطرات منفی را بیشتر از بیماران مانیک یادآوری کنند و بیماران مانیک نیز خاطرات مثبت را بیشتر از بیماران افسرده یادآوری کنند. در این زمینه پنج فرضیه مطرح شد: ۱- بیماران افسرده، خاطرات منفی را بیشتر از خاطرات مثبت یادآوری می‌نمایند. ۲- بیماران مانیک خاطرات مثبت را بیشتر از خاطرات منفی یادآوری می‌نمایند. ۳- میزان یادآوری خاطرات مثبت و منفی در افراد بهنجار یکسان است. ۴- میزان یادآوری خاطرات منفی در گروه افسرده بیشتر از گروه مانیک و بهنجار می‌باشد. ۵- میزان یادآوری خاطرات مثبت در گروه مانیک بیشتر از گروه افسرده و هنجار می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های فوق سه گروه ۱۰ نفری (۱۰ نفر افسرده، ۱۰ نفر مانیک و ۱۰ نفر بهنجار) انتخاب شد. پس از ثبت خاطرات یادآوری شده از سوی گروه‌های سه‌گانه و تحلیل آنها، نتایج نشان داد بیماران افسرده، خاطرات منفی را بیشتر از خاطرات مثبت و بیماران مانیک خاطرات مثبت را بیشتر از خاطرات منفی یادآوری می‌نمایند و میزان یادآوری خاطرات مثبت و منفی در افراد بهنجار یکسان است. همچنین از نظر یادآوری خاطرات منفی بین سه گروه (افسرده، مانیک و بهنجار) تفاوتی دیده نشد ولی از نظر یادآوری خاطرات مثبت، گروه افسرده با دو گروه مانیک و بهنجار تفاوت معنی‌داری نشان داد.

واژه‌های کلیدی: یادآوری خاطرات، خاطرات منفی، خاطرات مثبت، مانیک، افسرده.

در بررسی رابطه بین شناخت و عواطف، رویکردهای مختلف و متنوع وجود دارد. افرادی نظیر لازاروس^۱ (۱۹۸۲) طرفدار این رویکرد است که تفکر و فرایندهای شناختی، حالات عاطفی و رفتارهای همراه آن را به وجود می‌آورند و تغییرات عاطفی ناشی از فرایندهای شناختی است. از سوی دیگر زائونک^۲ (۱۹۸۰) تقدم عواطف بر شناخت را مورد توجه قرار می‌دهد و تغییرات شناختی را تابع حالات عاطفی قلمداد می‌نماید و بالاخره افرادی نظیر تیسدل^۳ و فوگارتی^۴ (۱۹۷۹) رابطه دوسویه^۵ بین هیجان و شناخت را مدنظر قرار می‌دهند و اظهار می‌دارند ضمن این که شناخت‌ها ممکن است تغییراتی را در حالات خلقی ایجاد نمایند، حالات خلقی نیز احتمالاً برخی فرایندهای شناختی نظیر حافظه را تحت تأثیر قرار دهند.

واقعیت این است که تا به امروز بررسی‌های اساسی در زمینه هیجان‌ات و عواطف، بر پیشایندهای آن، مخصوصاً بر تعیین کننده‌های شناختی تمرکز داشته است و چندان تمرکزی بر شیوه‌هایی که حالت‌های هیجانی و عاطفی، عملکردهای روان‌شناختی را تحت تأثیر قرار دهند نداشته است (کاسترو^۶ و همکاران، ۱۹۹۸). اخیراً روان‌شناسان آزمایشی، مفاهیمی را از روانشناسی شناختی قرض گرفته‌اند تا مکانیزم‌های تاثیر خلق بر حافظه را مشخص نمایند (گونترو^۷، ۱۹۹۸). از این مفاهیم می‌توان الگوی شبکه تداعی، یادگیری وابسته به حالت و تاثیرات هماهنگی خلقی را نام برد. باور^۸ (۱۹۹۲)، به نقل از کاسترو و همکاران، (۱۹۹۸) سهم قابل ملاحظه‌ای در بررسی رابطه شناخت و هیجان داشته است، وی مطرح کرده است شیوه‌ای که حوادث یا تجربیات در حافظه کدگذاری می‌شوند تعیین کننده است. مطابق مدل شبکه‌ای حافظه معنایی^۹، ویژگی‌ها و خصوصیات معنایی کلمات به عنوان گره‌هایی در شبکه عصبی بازنمایی می‌شوند.

1- Lazarus	2- Zajonc
3- Teasdale	4- Fogarty
5- reciprocal relationship	6- Castro
7- Guenther	8- Bower
9- network models of semantic memory	

هنگامی که این گره‌ها به مدت کوتاهی فعال می‌شوند، فعالیت به وجود آمده به گره‌های مرتبط سرایت و مفاهیم مرتبط را فعال می‌نماید و در نتیجه فرایندهای فکری متعاقب را تحت تاثیر قرار می‌دهد. باور (۱۹۸۱) به نقل از ویزبرود^۱ و همکاران، (۱۹۹۹) بیان می‌کند هر هیجان، گره خاصی در شبکه تداعی دارد، فعال شدن چنین گرهی منجر به تجربه هیجان خاص خود شده و به گره‌های مرتبط در شبکه سرایت نموده و در نهایت دستیابی به مفاهیم فعال شده افزایش می‌یابد. مطابق با مدل شبکه‌ای، افرادی که افسرده هستند حوادث و مفاهیم مرتبط با افسردگی در زندگی‌شان بیشتر قابل دسترسی است و این تفکرات، آسان‌تر از تفکرات مرتبط با هیجان‌ات دیگر به ذهن می‌آید. مطالعات مربوط به حافظه در بیماران افسرده نشان‌دهنده تمایل این بیماران به یادآوری مطالب منفی است. کلمات مرتبط با افسردگی در آزمون استروپ بیشتر از کلمات خنثی یا کلمات دارای بار عاطفی مثبت یادآوری می‌شوند. مطالعه اخیر در تکلیف عاطفی نیز سوگیری به محرکات منفی در بیماران افسرده و محرکات مثبت در بیماران مانیک-دپرسیو را نشان داده است (الیوت^۲ و همکاران، ۲۰۰۲). مطالعه مورفی^۳ و ساهاکیان^۴ (۲۰۰۱) نیز سوگیری پردازش اطلاعات منفی و مثبت را برای بیماران افسرده و مانیک به ترتیب نشان داد. یادآوری وابسته به خلق، به این عقیده اشاره می‌کند که حالات هیجانی فرد می‌تواند با حوادث جاری پیوند یابد به طوری که حوادث و هیجان به طور همزمان در حافظه ذخیره شوند و زمانی آن حوادث بهتر یادآوری می‌شوند که فرد در حالت هیجانی شبیه حادثه اصلی قرار گیرد. بنابراین زمانی که افراد شاد هستند باید حوادثی را بهتر یادآوری نمایند که در حالت خلقی شاد تجربه کرده‌اند و زمانی که در حالت خلقی غیر شاد هستند حوادثی به آسانی یادآوری می‌شوند که در حالت خلقی پایین ذخیره شده‌اند (باور، ۱۹۹۵). به عبارتی یادگیری وابسته به حالت بر این نکته اشاره می‌کند که افراد اطلاعاتی را بهتر به یاد می‌آورند که آن را در حالت

1- Weisbrod
3- Murphy

2- Elliot
4- Sahakian

خلقی شبیه خلق جاری و فعلی یاد گرفته باشند (محمودعلیلو، ۱۳۷۶). نظریهٔ هماهنگی خلقی اشاره دارد بر این که خلق فرد می‌تواند وی را به اطلاعاتی حساس کند که عمدتاً با خلقتش مطابقت دارند. مطالبی که هماهنگ با خلق هستند برجسته و نمایان می‌باشند به طوری که فرد آن مطالب را عمیق‌تر از مطالب دیگر مورد توجه قرار داده و با اطلاعات دیگر پیوند می‌دهد، در نتیجه فرد این مطالب را بهتر از مطالب ناهماهنگ با خلق یاد می‌گیرد (باور، ۱۹۹۵). گیلیگان^۱ (۱۹۸۲) در آزمایشی یادگیری هماهنگ با خلق را نشان داده است آزمودنی‌ها هیپنوتیزم شده در یکی از حالات خلقی (شاد، خشم، افسرده) قرار گرفتند. سپس به آزمودنی‌ها حوادث (خوشایند، برانگیزندهٔ خشم و غمگین) قرائت شد، نتایج نشان داد آزمودنی‌هایی که در حالت خلقی شاد بودند حوادث خوشایند را بهتر از بقیه حوادث یاد گرفته بودند، در دو حالت خلقی دیگر نیز نتایج هماهنگ با خلق بود. گیونز^۲ (۱۹۸۶) نیز مشاهده کرد که افراد غمگین بیشتر در جستجوی اطلاعات غم‌انگیز و افراد خلق پایین هستند تا افراد خلق بالا. البته نتایج همه تحقیقات مطابق با پیش‌بینی نظریه هماهنگ با خلق نبوده است. برخی تحقیقات (هاشر^۳ و همکاران، ۱۹۸۵) نشان می‌دهد یادآوری آزمودنی‌های افسرده با غیر افسرده در سه آزمایش مجزا تفاوتی ندارد. برخی از آزمایشات که القای خلق را صرفاً در یادآوری مورد بررسی قرار داده‌اند اثر هماهنگی خلقی را بدست نیاورده‌اند (باور و همکاران، ۱۹۸۱). آیزن^۴ و همکاران (۱۹۷۸) نیز با دستکاری برد و باخت آزمودنی‌ها در بازی ویدیویی خلق مثبت و منفی ایجاد کردند، نتایج نشان داد آزمودنی‌های دارای خلق پایین، صفات منفی را بیشتر از صفات مثبت به یاد نیاوردند، نتایج مشابه توسط ناسبی^۵ و یاندو^۶ (۱۹۸۲) به دست آمد کلارک و تیسدل^۷ (۱۹۸۵). هماهنگی خلقی در یادآوری را فقط برای آزمودنی‌های مؤنث به دست آوردند. آزمایش سیندر^۸ و وایت^۹

1- Gilligan

3- Hasher

5- Nasby

7- Clark, Teasdale

9- White

2- Gibbons

4- Isen

6- Yando

8- Synder

(۱۹۸۲) وابستگی خلقی را در گزارش‌های اتوبیوگرافی آزمودنی‌ها نشان داد. بریسلو^۱ و همکاران (۱۹۸۱) بیماران افسرده بستری را با گروه کنترل غیر افسرده در زمینه یادآوری داستان دارای عناصر مثبت، منفی و خنثی مورد مقایسه قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که بیماران افسرده عناصر مثبت را کمتر از گروه کنترل یادآوری می‌نمایند. بلانی^۲ (۱۹۸۶) نیز گزارش می‌کند که بیماران افسرده به سختی خاطرات مثبت و خوشایند را یادآوری می‌نمایند. برنبوم^۳ و اولتمنز^۴ (۱۹۹۲) به این نتیجه دست یافتند که پاسخ‌های کاهش یافته در بین افسرده‌ها فقط به محرکات مثبت مربوط است. آلن^۵ و همکاران (۱۹۹۵) با استفاده از روش‌های روان - زیست‌شناسی به این نتیجه رسیدند که افراد افسرده فقط در پاسخ‌دهی به محرکات فراخوان هیجان مثبت با گروه کنترل تفاوت دارند. البته مایر^۶ و باور (۱۹۸۵) در بررسی مجدد، اثر وابسته به حالت خلقی را بدست نیاوردند با توجه به چارچوب نظری و سوابق پژوهشی ذکر شده، پژوهش حاضر به بررسی یادآوری خاطرات در بیماران افسرده، مانیک و افراد بهنجار می‌پردازد که در این راستا پنج فرضیه به شرح زیر تدوین شدند: بیماران افسرده خاطرات منفی را بیشتر از خاطرات مثبت یادآوری می‌نمایند. بیماران مانیک خاطرات مثبت را بیشتر از خاطرات منفی یادآوری می‌نمایند. میزان یادآوری خاطرات مثبت و منفی در افراد بهنجار یکسان است. میزان یادآوری خاطرات منفی در گروه افسرده بیشتر از گروه مانیک افراد بهنجار می‌باشد. میزان یادآوری خاطرات مثبت در گروه مانیک بیشتر از گروه افسرده و افراد بهنجار می‌باشد.

روش

طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های علی - مقایسه‌ای است و به مقایسه افراد بهنجار با

1- Breslow
3- Berenbaum
5- Allen

2- Blany
4- Oltmanns
6- Mayer

بیماران مانیک و افسرده در یادآوری خاطرات مثبت و منفی می‌پردازد. متغیر مستقل در این پژوهش خلق آزمودنی‌ها و متغیر وابسته یادآوری خاطرات مثبت و منفی می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش سه گروه ۱۰ نفری (۱۰ نفر افسرده، ۱۰ نفر مانیک، و ۱۰ نفر افراد بهنجار) مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. نحوه انتخاب بیماران افسرده و مانیک به این ترتیب بود که با مراجعه به پرونده بیماران و مطالعه دقیق آن، اسامی بیماران افسرده و مانیک به همراه سن، جنس، میزان تحصیلات و سطح اقتصادی - اجتماعی یادداشت می‌شد سپس این بیماران مورد مصاحبه بالینی توسط روانپزشک معالج قرار می‌گرفتند و در صورت مطابقت علائم بیماری با معیارهای D.S.M IV در مورد افسردگی و مانیک به عنوان آزمودنی انتخاب می‌شدند که به علت وجود محدودیت در انتخاب تعداد مناسب آزمودنی‌ها از هر گروه ۱۰ نفر به عنوان آزمودنی انتخاب شدند برای انتخاب گروه افراد بهنجار ضمن این که سعی شد این گروه از نظر متغیرهایی نظیر سن، جنس، میزان تحصیلات و سطح اقتصادی - اجتماعی با دو گروه بیمار هم‌تا شوند از آنان مصاحبه بالینی به عمل آمد که در هنگام مصاحبه بالینی علائم بارز افسردگی و مانیک در آنها مشهود نبود همچنین این گروه سابقه بستری شدن یا درمان سرپایی، در مراکز روانپزشکی نداشتند. مشخصات آزمودنی‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱) مشخصات سنی، جنسی، تحصیلی و اقتصادی - اجتماعی آزمودنی‌ها

گروه‌ها	حجم نمونه	میانگین سنی	جنس	سطح اقتصادی - اجتماعی
افسرده	۱۰	۳۴	مذکر	متوسط
مانیک	۱۰	۳۲/۵	مذکر	متوسط
بهنجار	۱۰	۳۲/۸	مذکر	متوسط

ابزار اندازه‌گیری

برای مطالعه تأثیر خلق بر یادآوری خاطرات روش‌های متعددی به کار رفته است از قبیل روش‌های القای خلق (ولتن^۱، ۱۹۶۸)، روش القای هیپنوتیزمی (بارو، ۱۹۸۱) و روش موزاک^۲ (به نقل از بریور^۳ و همکاران، ۱۹۸۰) که عمدتاً در موقعیت‌های بالینی مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش از آزمودنی‌ها خواسته شد حوادثی را از زندگی خود یادآوری نمایند. در این پژوهش نیز با الهام از روش موزاک، پس از جلب همکاری آزمودنی‌ها، از آنان خواسته شد که سه رویدادی را که در طی سه ماه گذشته برایشان اتفاق افتاده است بیان نمایند. رویدادها طبق عبارت به کار رفته توسط آزمودنی‌ها یادداشت می‌شد. در مجموع ۹۰ رویداد جمع‌آوری شد و توسط دو ارزیاب از نظر بار عاطفی مثبت، منفی و خنثی مورد ارزیابی قرار گرفت، ۱۰ رویداد به علت خنثی بودن از نظر بار عاطفی کنار گذاشته شد. ضریب پایایی نمره‌های داوران $r=0/85$ بود.

نحوه نمره‌گذاری خاطرات یادآوری شده توسط آزمودنی با توجه به جملات و عبارات به کار رفته در یک خاطره صورت می‌گرفت. یعنی به جملات دارای بار عاطفی مثبت یک نمره مثبت و به جملات دارای بار عاطفی منفی یک نمره منفی داده می‌شد. در کل برای هر گروه دو نمره مثبت و منفی به دست آمد.

یافته‌ها

جدول (۲) میانگین، انحراف معیار، مقدار t و سطح معناداری را در مورد یادآوری خاطرات منفی و مثبت از سوی آزمودنی‌های افسرده نشان می‌دهد.

جدول (۲) میانگین، انحراف معیار، مقدار t و سطح معناداری یادآوری خاطرات منفی و مثبت در گروه افسرده

نوع خاطرات	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	t	sig
منفی	۱۰	۶/۵	۱/۵۰	۷/۰۶	۰/۰۰۰
مثبت	۱۰	۱/۴	۱/۱۷		

1- Velten
3- Brewer

2- Muzack

همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود میزان یادآوری خاطرات منفی در بیماران افسرده بیشتر از خاطرات مثبت می‌باشد و تفاوت مشاهده شده با اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.

جدول (۳) میانگین، انحراف معیار، مقدار t و سطح معناداری را در مورد یادآوری خاطرات منفی و مثبت از سوی آزمودنی‌های مانیک نشان می‌دهد. همان طور که در این جدول مشاهده می‌شود در یادآوری خاطرات منفی و مثبت از سوی گروه مانیک تفاوت معناداری مشاهده شد. بیماران مانیک خاطرات مثبت را بیشتر از خاطرات منفی یادآوری نمودند.

جدول (۳) میانگین، انحراف معیار، مقدار t وابسته و سطح معناداری یادآوری خاطرات منفی و مثبت در گروه مانیک

نوع خاطرات	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	t	sig
منفی	۱۰	۳/۵	۳/۲	۱/۸۴	۰/۰۴
مثبت	۱۰	۶/۲	۲/۳۴		

جدول (۴)، میانگین، انحراف معیار، مقدار t وابسته و سطح معناداری را در مورد یادآوری خاطرات منفی و مثبت از سوی آزمودنی‌های بهنجار نشان می‌دهد. همان طور که در جدول مشاهده می‌شود بین یادآوری خاطرات منفی و مثبت در گروه بهنجار تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول (۴) میانگین، انحراف معیار، مقدار t وابسته و سطح معناداری یادآوری خاطرات منفی و مثبت در گروه بهنجار

نوع خاطرات	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	t	sig
منفی	۱۰	۳/۸	۲/۳۹	۰/۱۷۶	۰/۸۶
مثبت	۱۰	۴	۲/۵۳		

جدول (۵)، میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به یادآوری خاطرات منفی را در سه گروه نشان می‌دهد.

جدول (۵) میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به یادآوری خاطرات منفی

گروه‌ها	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
افسرده	۱۰	۶	۲/۹
مانیک	۱۰	۳/۵	۲/۸۶
بهنجار	۱۰	۳/۸	۲/۲۷

در مورد داده‌های جدول (۵)، تحلیل واریانس یک راهه به‌عمل آمد که نتایج آن در جدول (۶) آمده است.

جدول (۶) نتایج تحلیل واریانس نمره‌های مربوط به یادآوری خاطرات منفی

منابع تغییرات	df	ss	Ms	F	sig
بین گروه‌ها	۳۷/۴	۲	۱۸/۶۲	۲/۱۶۰	۰/۰۹۳
درون گروه‌ها	۱۹۳/۱۲	۲۷	۷/۱۵		
کل	۲۳۰/۳۶	۲۹			

همان طور که مشاهده می‌شود تحلیل واریانس یک راهه تفاوت معناداری را بین گروه‌های سه‌گانه در یادآوری خاطرات منفی نشان نمی‌دهد. لذا فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر یادآوری خاطرات منفی بیشتر توسط گروه افسرده نسبت به دو گروه دیگر، با اطمینان ۹۹ درصد تایید نشد.

جدول (۷) میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به یادآوری خاطرات مثبت را در بین آزمودنی‌ها نشان می‌دهد.

جدول (۷) میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به یادآوری خاطرات مثبت

گروه‌ها	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار
افسرده	۱۰	۱/۴	۰/۸۰
مانیک	۱۰	۶/۲	۲/۲۱
بهنجار	۱۰	۴	۲/۴۰

- فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز ▶
 سال دوم شماره ۵، بهار ۱۳۸۶ ▶

در مورد داده‌های جدول (۷)، تحلیل واریانس یک راهه به عمل آمد که نتایج آن در جدول (۸)، ارائه شده است.

جدول (۸) نتایج تحلیل واریانس نمره‌های مربوط به یادآوری خاطرات مثبت

منابع تغییرات	ss	df	Ms	F	sig
بین گروه‌ها	۱۵/۴۴	۲	۵۷/۷۵	۱۲/۶۹	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۲۰/۰۲	۲۷	۴/۵۵		
کل	۳۵/۴۶	۲۹			

همان طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود آزمون تحلیل واریانس یک راهه تفاوت معناداری را بین گروه‌های افسرده، مانیک و بهنجار از نظر یادآوری خاطرات دارای بار عاطفی مثبت نشان داد. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد فرضیه پژوهش تایید شد. برای آزمون تفاوت جفت میانگین‌ها از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. آزمون شفه نشان داد گروه افسرده با دو گروه دیگر از نظر یادآوری خاطرات مثبت تفاوت معناداری دارد. لذا فرضیه پنجم پژوهش مبنی بر یادآوری خاطرات مثبت بیشتر از سوی بیماران مانیک نسبت به گروه افسرده تایید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

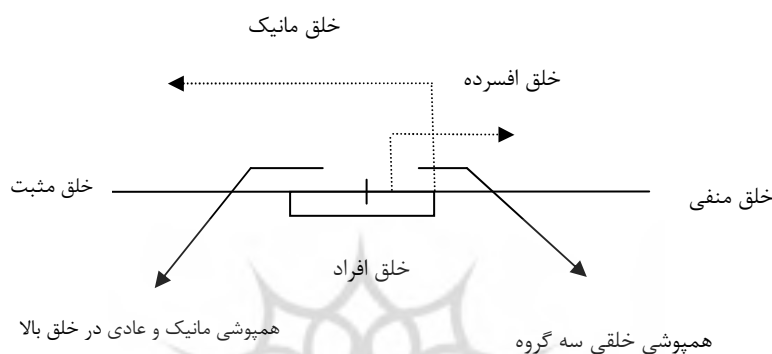
یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند در یادآوری خاطرات منفی و مثبت از سوی آزمودنی‌های افسرده تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی بیماران افسرده خاطرات دارای بار عاطفی منفی را بیشتر از خاطرات مثبت یادآوری می‌نمایند که هماهنگ با یافته‌های قبلی (سیندر و وایت، ۱۹۸۲؛ گیلیگان، ۱۹۸۲؛ گیبونز، ۱۹۸۶؛ محمودعلیلو، ۱۳۷۳) می‌باشد. در افراد بهنجار از نظر میزان یادآوری خاطرات مثبت و منفی تفاوت معناداری مشاهده نشد. این یافته نیز هماهنگ با یافته (محمودعلیلو ۱۳۷۳) می‌باشد. در بیماران مانیک نیز میزان یادآوری خاطرات مثبت به طور معناداری بیشتر از خاطرات منفی بود

که هر سه یافته مطابق با پیش‌بینی‌های نظریه یادآوری وابسته به حالت و الگوی شبکه‌تداعی حافظه بوده است. بحث برانگیزترین قسمت پژوهش حاضر یافته‌های بعدی می‌باشد به این شکل که در بین سه گروه از نظر یادآوری خاطرات منفی تفاوت معناداری مشاهده نشد. ولی در یادآوری خاطرات مثبت بین گروه افسرده با گروه مانیک و بهنجار تفاوت معناداری مشاهده شد. همان طور که بلانی (۱۹۸۶) اشاره می‌کند بیماران افسرده به دشواری خاطرات مثبت و خوشایند را یادآوری می‌نمایند. بررسی‌های فوگارتی و همسلی^۱ (۱۹۸۳) نیز نشان می‌دهد گروه کنترل غیر افسرده تجارب مثبت را آسان‌تر از تجارب منفی یادآوری می‌نمایند. در حالی که بیماران افسرده بالینی تجارب مثبت را نمی‌توانند یادآوری نمایند. آیزن و همکارانش (۱۹۷۸) اشاره می‌کنند که میزان گرایش آزمودنی‌های افسرده به یادآوری مطالب منفی در مقایسه با میزان گرایش آزمودنی‌های مانیک به یادآوری تجارب و مطالب مثبت از شدت کمتری برخوردار می‌باشد. زیرا طرحواره شناختی بیماران افسرده در مقایسه با طرحواره شناختی بیماران مانیک با حوادث و وقایع کمتری مرتبط است. طرحواره شناختی بیماران افسرده عمدتاً شامل چیزهایی است که از دست داده‌اند در صورتی که طرحواره شناختی بیماران مانیک با دامنه وسیعی از موقعیت‌ها مرتبط است در نتیجه حالت خلقی شاد ممکن است حقایق و وقایع ذخیره شده بیشتری را در حافظه فعال سازد. یافته دیگر پژوهش حاضر این بود که گروه بهنجار در یادآوری خاطرات منفی با گروه افسرده و در یادآوری خاطرات مثبت با گروه مانیک تفاوت معناداری نداشت از این یافته چنین استنباط می‌شود که افراد بهنجار به‌طور همزمان میزان یکسانی از خلق مثبت و منفی را تجربه می‌کنند و چنین تجربه متوازن و متعادل خلقی، آنان را از ابتلا به اختلالات خلقی مصون نگه می‌دارد. در صورتی که در افراد افسرده و افراد مانیک تعادل خلقی از بین می‌رود. لذا شاید یکی از اقدامات اساسی در اختلالات خلقی ایجاد تعادل خلقی از طریق دستکاری خلقی افراد مخصوصاً افراد افسرده باشد. در حالت کلی

1- Hemsley

- ▶ فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز
- ▶ سال دوم شماره ۵، بهار ۱۳۸۶

و بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان مدل فرضی زیر را در ارتباط با سه گروه ارائه داد:



همان‌طور که یافته‌ها نیز نشان داد چنین استنباط می‌شود که در زمینه خلق افسرده بین سه گروه همپوشی وجود دارد و تفاوت معناداری بین سه گروه مشاهده نشد. همچنین بین گروه عادی و گروه مانیک در زمینه خلق بالا و شاد همپوشی دیده شده. لذا به نظر می‌رسد یکی از علل تداوم افسردگی این است که از نظر خلق شاد با دو گروه دیگر همپوشی ندارد و خلق افسرده‌بازداری در یادآوری خاطرات مثبت ایجاد می‌کند. لازم به ذکر است که نتایج بدست آمده با محدودیت پژوهشی به خصوص حجم پایین آزمودنی‌ها توأم بوده است و توصیه می‌شود در پژوهش‌های مشابه در صورت امکان محدودیت مذکور رفع گردد.

References

منابع

- محمود علیلو، مجید. (۱۳۷۶). بررسی آزمایشی اثر خلق و حالت عاطفی در یادآوری انتخابی اطلاعات. مجله علمی - پژوهشی دانشگاه الزهراء.
- محمود علیلو، مجید. (۱۳۷۳). بررسی آزمایشی اثر «لق بر حافظه». پژوهش‌های روان‌شناختی، شماره‌های ۱ و ۲، دوره ۳.
- Allen, N. B. Tindler, J., Rae, H; Berannan, C. (1995). Affective Modulation of the Startle Blink Reflex in Anhedonia and Clinical Depression. *Psychophysiology*. 32, 247-251.
- Berenbaum, H., Oltmanns, T. F. (1992). Emotional Experience and Expression in Schizophrenia and Depression. *Journal of Abnormal Psychology*. 101, 161-168.
- Blany, P. H. (1986). Affect and Memory: A Review. *Psychological Bulletin*. 92(2), 229-249.
- Bower, G. H. (1981). Mood and memory. *American Psychologist*. 36, 129-198.
- Bower, G. H. (1995). *Emotion and Social Judgment*. Oxford ; Pergamon Prees.
- Bower, G. H. (1987). Commentary on Mood and Memory. *Behavior Research and Therapy*. 25, 3-42.
- Breslow, R., Kocsis, J. Belkin, B. (1981). Contribution of the Depressive Perspective to Memory Functions in Depression. *American Journal of Psychiatry*. 138, 985-996.
- Brewer, D., Doughtie, E. B; Lubin, B. (1980). Induction of Mood and Mood Shift. *Journal of Clinical Psychology*. 36, 124-135.
- Clark, D. M., Teasdale, J. D. (1985). Constants on the Effects of Mood on Memory. *Journal of Personality and Social Psychology*. 48, 1595-1608.
- Castro, J. F; Perez, R. G; Barraters, N; Davila, A. (1998). *Psychology Spain*. Vol. 2. N, 1, 258-266.

- Elliott, R; Rubinstein, J. S., Barbara, J., Sahakian, Raymond, J. (2002). The Neural basis of Mood-congruent Processing Biases in Depression. *American Medical Association*.
- Fogarty, S. J., Hemsley, D. R. (1983). Depression and the Accessibility of Memories. *Behavioral Journal of Psychiatry*. 142,852-861.
- Gibbons, F. X. (1986). Social Compression and Depression. *Journal of Personality and Social Psychology*. 51, 142-152.
- Gilligan, S. G. (1982). *Mood Intensity and Learning of Congruous Material*. Stanford University.
- Guenther, R. K. (1998). *Mood and Memory*. John Wily and Sons.
- Hasher, L., Rose, K. C., Zacks, R. T., Sanft, H., Doren, B. (1985). Mood, Recall and Selectivity in Normal College Students. *Journal of Experimental Psychology*. 114, 694-951.
- Isen, A. M. Shalker, T. E. Clark, M., Karp, L. (1978). Affect, Accessibility of Material in Memory and Behavior: A Cognitive Loop? *Journal of Personality*. 36, 1-12.
- Lazarus, R. S. (1982). Thoughts on the Relations Between Emotion and Cognition. *American Psychologist*. 37, 1019-1024.
- Mayer, J. D., Bower, G. H. (1985). Naturally Occurring Mood and Learning. *Journal of Experimental Psychology*. 114, 1184-1198.
- Murphy, F. C., sahakian, B. J. (2001). Neuropsychology of Bipolar Disorder. *The British Journal of Psychiatry*. 178, 723-739.
- Nasby, W., Yando, R. (1982). Selective Encoding and Retrieval of Affectively Valent Information. *Journal of Personality and Social Psychology*. 43, 181-192.
- Snyder, M., White, P. (1982). Moods and Memories: Elation, Depression and the Remembering of the Event's of One's Life. *Journal of Personality*. 50, 120-134.
- Teasdale, J. D., Fogarty, S. J. (1979). Differential Effects of Induced Mood on Retrieval of Pleasant and Unpleasant Event are from Episodic Memory. *Journal of Abnormal Psychology*. 88,184-198.

Velten, E. (1968). A Laboratory Task for Induction of Mood States. *Behavior Research and Therapy*. 6, 85-97.

Weisbrod, M., Trage, J., Hill, H., Sattler, H. D., Maier, S., Kiefer, M. Grothe, J., Spitzer, M. (1999). *German Journal of Psychiatry*. 32, 218-229.

Zajonc, R. B. (1980). Feeling and Thinking: Preferences Need no Inferences. *American Psychologist*. 35, 151-175.

